

نگاهی به کتاب سووشون اثر شگرف سیمین دانشور

6 فروردین 1401

«سیمین دانشور» یکی از اولین زنان داستان‌نویس موفق ایران 8 اردیبهشت سال 1300 در شیراز در خانواده‌ای فرهیخته و متمول به دنیا آمد. او کودکی‌اش را با خواندن زبان انگلیسی و سوارکاری گذراند و توانست دوره‌ی دبیرستانش را با بالاترین رتبه در سراسر کشور به پایان برساند. او در سال 1317 به همراه خواهر و برادرش به تهران آمد و به مدرسه شبانه روزی آمریکایی رفت و در آن سال‌ها تسلطش بر زبان انگلیسی بیشتر شد و تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد. سیمین دانشور با انتشار مجموعه داستان (آتش خاموش) در سال 1327 بطور جدی وارد عرصه نویسندگی شد. «سیمین دانشور» سال 1348 شاهکار ادبی‌اش، «سووشون» را منتشر کرد. این اثر را با الهام از یک سنت کهن نگاشت که دربرگیرنده‌ی نمادهای مظلومیت، مبارزه، شهادت و خون‌خواهی است. دانشور علاوه بر سووشون آثار دیگری نیز در سال‌های بعد منتشر کرده و آثاری نیز از ادبیات سایر کشورهای جهان به فارسی برگردانده است، از جمله آثار نویسندگانی چون «آنتوان چخوف، راجبان خانا و جرج برنارد شاو».

نقد و معرفی کتاب :

سیمین در غم از دست‌دادن جلال در تقدیمیه رمان چنین نوشته است :

«به‌یاد دوست که جلال زندگی‌ام بود و در سوگش به سووشون نشسته‌ام» .

شاید اولین سوالی که ذهن خواننده را درگیر کند این است که سووشون یعنی چه؟ چرا **سووشون**؟ نام سووشون برگرفته از یک مراسم ایرانی در سوگ و عزای سیاوش، از قهرمانان ایران باستان است که مظلومانه کشته می‌شود و در خفا برایش عزاداری می‌کنند و دلیل انتخاب زیرکانه عنوان سووشون، به‌دلیل شباهت یکی از شخصیت‌های کتاب به سیاوش قهرمان اسطوره‌ای شاهنامه و نحوه مرگ و خاکسپاری اوست. سووشون یعنی سیاوشون، یعنی سوگواری برای سیاوش، یعنی سوگواری برای مردی که در برابر ظلم ایستاد و کوتاه نیامد.

کتاب سووشون در تیرماه 1348 برای نخستین بار منتشر شد و تاکنون بیش از 20 بار تجدید چاپ شده است. داستان کتاب در شیراز و در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد و دارای 23 فصل است و جریان‌ها و فضای اجتماعی، تاریخی، سیاسی و حماسی سال 1320 تا 1325 را توصیف می‌کند. شرایط اجتماعی بر جامعه و احوالات مردم شیراز تحت تاثیر جنگ جهانی دوم و حضور انگلیسی‌ها در منطقه است. داستان با جشن عروسی دختر حاکم آغاز می‌شود و از زبان زری (شخصیت اصلی) داستان بازگو می‌شود و رفته رفته با مسائل سیاسی آمیخته می‌شود، زری و یوسف شخصیت‌های

اصلی داستان هستند و در این جشن حضور دارند و یوسف که اربابی است آگاه و سردی و گرمی و تلخی روزگار را چشیده با دیدن برپایی این جشن و شوربا بهم می‌ریزد، او همیشه مراقب رعیتش بوده و نمی‌تواند جلوی این بزرگنمایی و جشن‌ها تاب بیاورد. سخنانی که بین یوسف و زری رد و بدل می‌شود نمونه‌ای تکرار شونده است که تا یک سوم داستان ادامه دارد و یوسف نماد قشر روشنفکر و نماد و اسطوره‌ی وطن پرستی ایران است.

داستان پایبند به راستی و حقیقت است و حس مسئولیت و انسان دوستی و مردم دوستی یوسف به رعیت را نشان می‌دهد. یوسف از وضعیت موجود راضی نیست، تمام خان‌ها و ارباب‌ها و زمینداران برای سود بیشتر آذوقه و محصول مازاد خود را به نیروهای بیگانه می‌فروشند درحالی که یوسف به انجام اینکار راضی نیست و صدای مردم و رعیتش شده. او مانند رهبری است که راه درست را به مردم نشان می‌دهد که راهی جز مبارزه با بی عدالتی نیست .

از سمت دیگر باید داستان را از زاویه دید زری که همسر یوسف و راوی داستان است دنبال کرد. زری از یوسف می‌خواهد که با رویه محافظه کارانه جوانب احتیاط را رعایت کند و او فقط می‌خواهد خانواده‌اش آرامش داشته باشند و حریم خانه‌اش امن باشد اما ناگزیر است که پایه‌پای شوهرش که همپای رعیت است پیش برود و مانع کار او نشود. در داستان زری شجاعت و جسارت و مادری و فداکاری و پاکدامی را به خوبی تداعی می‌کند. زری به عنوان زنی معمولی در عین حال زیرک و باهوش که سه فرزند به اسم‌های (خسرو ، مینا و مرجان) دارد در داستان تغییر می‌کند و دچار تحولات اساسی می‌شود و او از شخصیتی که ابتدا ترسو خوانده می‌شود و دل مشغولی‌های عادی و معمولی‌ای دارد به یک انسان آرمانگرا مبدل می‌شود.

در سووشون داستان شخصیت‌های فراوانی هستند که هرکدام را می‌توان به عنوان نمادی از بخش یا نمادی از طرز فکری دانست. از خان‌های بختیاری تندرو گرفته تا خان کاکای فرصت طلب و خسرو فرزند یوسف و زری که نماد امید به آینده است که این راه ادامه دارد.

در سه فصل آغازین با ایجاز ماهرانه، صحنه کلی داستان چیده می‌شود و شخصیت‌های داستان هر یک مشخص می‌شوند. در این داستان از زبانی ساده و روان و قابل انعطاف استفاده شده است و پر از اصطلاحات و تعابیر عامیانه است .

داستان سووشون یکی از افتخارات ادبی و آینه تمام نمایی از معرفت یک ایرانی اصیل است. قطعه خوشایند کتاب که می‌گوید: «شلخته درو کنید تا چیزی برای خوشه چین‌ها بماند.» نشان دهنده ملاحظت و حس انسان دوستی است.

در این داستان اگرچه یوسف در کشاکش بین واقعیت و آرمان به شهادت می‌رسد اما عامل بیداری دیگران به خصوص همسرش زری می‌شود.

آخرین فصل کتاب توصیف قوی از تشیع جنازه و مرگ یوسف و یکی از تاثیرگذارترین وصف‌های حرکت مردم در ادبیات معاصر ایران است. جنازه یوسف را شبانه به خاک می‌سپرند و مک ماهون در تسلیتی امید بخش به زری در انتهای کتاب می‌نویسد: «گریه نکن خواهرم، در خانه‌ات درختی خواهد

روید و درخت‌هایی در شهرت و بسیار درختان در سرزمینت و باد پیغام هر درختی را به درختی دیگر خواهد رسانید و درخت‌ها از باد خواهد پرسید: در راه که می‌آمدی سحر را ندیدی!»

قسمت‌هایی از متن رمان سوشون (جملات زیبا):

بعضی آدم‌ها عین یک گل نایاب هستند، دیگران به جلوه‌شان حسد می‌برند. خیال می‌کنند این گل نایاب تمام نیروی زمین را می‌گیرد. تمام درخشش آفتاب و تری هوا را می‌بلعد و جا را برای آن‌ها تنگ کرده، برای آن‌ها آفتاب و اکسیژن باقی نگذاشته. به او حسد می‌برند و دلشان می‌خواهد وجود نداشته باشد. یا عین ما باش یا اصلاً نباش. (رمان سوشون - صفحه ۱۴)

خوب که فکرش را می‌کنم می‌بینم همه‌ی ما در تمام عمرمان بچه‌هایی هستیم که به اسباب بازی‌هایمان دل خوش کرده‌ایم و وای به روزی که دلخوشی‌هایمان را از ما می‌گیرند، یا نمی‌گذارند به دلخوشی‌هایمان برسیم. (رمان سوشون - صفحه ۶۷)

خاندانم که بر باد رفت یوسف برایم نوشت. خواهر سعی کن روی پای خودت بایستی. اگر افتادی، بدان که در این دنیا هیچ‌کس خم نمی‌شود دست ترا بگیرد بلندت کند. سعی کن خودت پا شوی. (رمان سوشون - صفحه ۷۷)

آدم با کسی در زندگی‌های قبلی دمخور بوده، بعد از او جدا شده. هی به دنیا می‌آید تا او را پیدا کند. فراق می‌کشد و انتظار می‌کشد، وقتی پیدایش کرد و شناختش مگر می‌تواند ولش کند؟ (رمان سوشون - صفحه ۷۸)

آدمیزاد چیست؟ یک امید کوچک، یک واقعه خوش چه زود می‌تواند از نو دست و دلش را به زندگی بخواند؟ اما وقتی همه‌اش تودهنی و نومیدی است، آدم احساس می‌کند که مثل تفاله شده، لاشه‌ای، مرداری است که در لجن افتاده. (رمان سوشون - صفحه ۱۴۶)

ما غیر از آرزوهای بزرگ تقصیری نداشتیم. (رمان سوشون - صفحه ۱۷۹)

کاش دنیا دست زن‌ها بود، زن‌ها که زاییده‌اند یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند. قدر تحمل و حوصله و یکنواختی و برای خود هیچ کاری نتوانستن را. شاید مردها چون هیچ‌وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آنقدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند. اگر دنیا دست زن‌ها بود، جنگ کجا بود؟ (رمان سوشون - صفحه ۱۹۳)

سخن پایانی:

سوشون یکی از بهترین رمان‌های ایرانی است که یک بار خواندن آن خالی از لطف نیست، در این رمان از ارزش‌های انسانی همچون عشق به خانواده، عشق به وطن و آزادی صحبت می‌کند به طوری که بعد از خواندن کتاب نسبت به گذشته احساس مسئولیت بیشتری در خود حس می‌کنیم. اگر به دنبال یک رمان ایرانی عاشقانه و بامحتوا غنی هستید، کتاب سوشون پیشنهاد ما به شماست و سوشون کتابی است که هرگز کهنه نمی‌شود.

